

هزینه سنگین شیرین کردن آب شور دریا

در سالهای بعد از افزایش بهای نفت در ۱۹۷۹، کشورهای ساحل خلیج فارس نظر به نیاز شدید به گسرس و بهره‌برداری از منابع آب، به تنظیم برنامه‌های بلند پروازانه دست زدند. نیاز شدید به شیرین کردن آب شور جهت مصارف داخلی و نیز افزایش مهاجرت کارگران حلالی وطن کرده که در کشورهای حاشیه خلیج فارس در جستجوی کار و گذران معیشت بودند، نیاز به مقادیر فراوان آب شیرین را جسد برابر کرده بود. هدف دیگر کشورهای یاد شده از اجرای برنامه‌های تأمین آب، رسیدن به مرحله خودکفایی در زمینه کشاورزی سیر بود.

بدین ترتیب، منظمه به صورت پیرامه‌ترین بارار بگانه در زمینه صدور نفت و بهره‌برداری از بحیرات شیرین کردن آب شور درآمد نا بدانیابه نه با آغاز سال جاری، طرفت تولید آب شیرین از دریا به روره ۷۵۰ میلیون گالن بالغ گردید. اما با گذشت ماهها، عواملی حداثت رکود در نتشبات جهت بهره‌برداری از بحیرات صحت سده گردید که از جمله می‌توان از آلودگی رورافزون آب دریا و نیز آسب‌دیری دستگاههای بیحیده شیرین کردن آب شور در برابر حملات هوایی ناشی از جنگ در منطقه به عنوان مهمترین این عوامل نام برد.

نیاز شدید کشورهای حاشیه خلیج فارس به آب شیرین را، می‌توان در ایده‌ای که اخیراً " برای استفاده از ناگرهای نفت به عنوان حایه‌ها کردن آب شیرین در مناطق خلیج فارس، پیدا شده متجلی دید. به کارگیری تانکرها در حمل و نقل نفت و آب به‌طور همزمان، با آنکه نیاز به هزینه‌های بسیار بالا دارد، از طرفی بارتاب اس واقعیت است که هزینه سنگین شیرین کردن آب شور در نقطه مورد نیاز، به هزینه حمل آن از جایی به جای دیگر می‌چربد.

در عین حال، دولتها همچنان به سرمایه‌گذاری در زمینه‌های گوناگون تأسیسات تازه شیرین کردن آب شور ادامه می‌دهند. برای نمونه، شرکت تبدیل آب شور عربستان به نام "سالمی"، اخیراً در مناقصه‌ای برای شیرین کردن ۹۱۰۵۰۰ مترمکعب آب (روزانه) در منطقه اسیر (Asir) برنده شده است و ابوظبلی حدود یک سوم بودجه سال ۱۹۸۳ کل کشور را به پروژه‌های برق و آب اختصاص داده است.

در برخی از موارد، نیاز به ادامه ساختمان، فشار شدیدی را بر منابع مالی دولتهای واقع در حاشیه خلیج فارس وارد آورده است. قطر از جمله این کشورهاست که به شدت نیازمند کار و سرمایه گذاری جهت بالا بردن ظرفیت تجهیزات شیرین کردن آب شور است. لیکن پایین آمدن درآمدهای نفت آغاز کار بر روی پروژه الوسیل (Al-Wusail) را معوق گذارده است. (هزینه پروژه نامبرده ۸۷۹ میلیون دلار برآورد شده است.)

در بحرین، مشکل دیگر، فقدان منابع مالی دولتی در زمینه شیرین کردن آب شور موجب بروز بحران در تأمین آب مصرفی جزیره شده است. ناجایی که تابستان پیش، سازمان آب بحرین ناگزیر شد پمپاژ آب از چاههای دولتی را به چند ساعت در روز محدود کند.

مشکل بحرین، قطر و کویت، به خاطر داشتن مراکز تمرکز جمعیت، به گستردگی مشکلاتی که کشورهای چون عربستان، امارات متحد و عمان با آن مواجه هستند، نیست.

عربستان، که بیشتر آب را از تأسیسات جبیل (Jubail) به ریاض (Riadh) پمپاژ می کند، اخیراً "دو پروژه جدید جهت حمل آب از جبیل به قسیم (Qassim) را به مورد اجرا در آورده است.

در امارات متحد عربی، به خاطر خودداری مقامات کشوری از قبول نیرو و آب استقراضی از همسایگان، مقادیر متنابهی از منابع آب و برق به هرز و هدر رفته است. ابوظبی، دویبی و شارجه هر سه، دپارتمانهای مستقل آب و برق را دارا هستند. اما در مورد رأس الخیمه، یک مشکل عمده در زمینه نظام تولید نیرو که در اوایل دهه ۱۹۸۰ بروز کرد، سبب شد که نظام آب و برق این امیرنشین وارد تشکیلات فدارال امیرنشینها شود.

□

مأخذ: MEED Vol 28 No 32, 10-16 August 1984.